

والدین در این انتخاب چه نقشی دارند؟

ریحانه ناصری: زمانی که من انتخاب رشته کردم، بین رفتن به هنرستان و رشته معارف مردود بودم؛ از طرفی به میکاپ و شینیون موعلاقه زیادی داشتم. پدر و مادرم در تصمیم‌گیری به من کمک مؤثری کردند و گفتند: «رشته معارف را انتخاب کن و در کنار کلاس‌ها، میکاپ و شینیون را هم ادامه بده و مدرک فنی و حرفه‌ای بگیر». من هم این دو مسیر را هم‌زمان پیش بردم، برای هر دو انرژي دارم و از انتخابم و راهنمایی والدینم کاملاً راضی هستم.

یلدا درواری: من الان چالش انتخاب رشته را دارم و باید میان رشته نظری و هنرستان رفتن یکی را انتخاب کنم و نیاز دارم خانواده مرا درک کنند و از من حمایت کنند، اما سردرگم هستم چون اطرافیانم موافق رشته نظری هستند، در نهایت هم می‌گویند هر طور که خودت دوست داری، ولی رشته نظری را انتخاب کن و در کنارش هنر را ادامه بده چون هنر چیز خاصی ندارد که به عنوان رشته آن را انتخاب کنی! من در کلاس‌های کار و فناوری مدام در تکیا بودم و ذوق زیادی داشتم. در واقع باید بگویم بعضی خانواده‌ها می‌خواهند فرزندشان مسیری را انتخاب کند که آن‌ها دوست داشتند تجربه کنند یعنی آرزوهایی که خودشان به آن نرسیدند. دوست دارند فرزندشان برسد.

زهران نسیم طوسی: به نظر من روی مهارت‌های فرزندشان باید بیشتر کار کنند تا بتوانند مسیر درستی برای شغل آینده‌اش انتخاب کنند.

نسترن احمدی: اگر ما سراغ کاری یا مهارتی برویم که مطابق اصول خانواده نباشد قطعاً باید منتظر شنیدن کلمه نه باشیم، اما اگر سراغ کار یا مهارتی برویم که در سطح خانواده باشد قطعاً ما را حمایت می‌کنند. یک دختر چادری باید مسیری را انتخاب کند که در شأن چادری که سرش می‌کند باشد.

یلدا درواری: خانواده در ابتدا باید مزایا و معایب مسیر برای فرزندشان را نشان دهند و صرفاً راهنمایی کنند نه اینکه انتخاب‌های خود را به او تحمیل کنند.

آیا الگویی در این مسیر دارید؟

یلدا درواری: ابتدا باید شرایطی مانند شخصیت و وضعیت زندگی مان را بسنجیم، سپس فردی را به عنوان الگو انتخاب کنیم که با این شرایط هم‌خوانی داشته باشد.

زهران نسیم طوسی: قطعاً الگوی ما حضرت زهرا(س) هستند؛ پیغمبر کارهای خانه را به ایشان سپرده بودند و ایشان به خانم‌های اطراف خود آموزش‌های دینی می‌دادند. در زندگی‌شان تعادل ایجاد کرده بودند و خانواده را به خوبی مدیریت می‌کردند. به نظر من، معلم بودن حرمت یک زن را بالا می‌برد و نشان می‌دهد که دارای مهارت‌هایی مانند فن بیان و علم کافی برای انتقال آن به دیگران است. من خودم الگوی کوچکی که دنبال می‌کنم، خانم سهیلا سامی، جراح مغز و اعصاب، هستند که تحصیلاتشان در آلمان بوده و سپس به ایران بازگشتند تا به مردم خود خدمت کنند. چنین شخصیتی برای من بسیار جذاب بود، زیرا او با همان

الگوهای دینی، شخصیت اصیل خود را حفظ کرد.

ریحانه ناصری: من خانم طناز بحری، فوق تخصص بیماری‌های خون، را الگو قرار دادم، او داخل هلند درس خواند و با حجاب اسلامی که داشت برگشت به کشورش تا به ملت خود خدمت کند. ویژگی ظلم‌ستیزی خود را حفظ کرد و گفت چرا مالیاتی که من در هلند می‌دهم باید بمب شود بر سر بچه‌های بی‌گناه فلسطین!

فضای مجازی چه قدر اثر دارد؟

یاسمن تمیزالینا: یکی از تأثیرات منفی که الان متأسفانه بلاگرهای ما در فضای مجازی بر روی افکار عمومی نوجوانان و جوانان دارند این است که صحبت‌هایی درباره درس نخواندن می‌کنند و می‌گویند بدون درس خواندن هم می‌توان پولدار شد! یعنی خیلی راحت قشر نوجوان را از درس خواندن و ادامه تحصیل دل‌سرد می‌کنند. در همین دوازده روز جنگ تحمیلی که اینترنت ملی شده بود، بلاگرها چگونه کسب درآمد می‌کردند؟ قطعاً از آنچه از قبل داشتند برای خورد و خوراک هزینه می‌کردند. بلاگری بخشی از شغل است، نه تمام آن؛ حتی اگر کسی بخواهد صفحه شخصی یا به عبارتی پیج بزند، باید حداقل ۳ سال زمان صرف کند تا صفحه‌اش رشد کند و به درآمدزایی برسد. در کل فضای مجازی می‌تواند کمک‌کننده باشد ولی الگو نه.

